

جزوه آیین دادرسی مدنی دکتر عبدالله شمس

حقوق - گرایش حقوق خصوصی



ارشد
ن

منابع کنکور دکتری تخصصی وزارت علوم

Iran
Typist

www.Irantypist.com

تمامی حقوق برای مولف این جزوه و موسسه آموزشی تالیفی ارشدان محفوظ می باشد و هرگونه کپی برداری کلی یا جزئی از این جزوات پیگرد قانونی دارد و شرعا نیز حرام میباشد

مباحث که در دروس آدم (۳) کتب می شود عبارتند از:

- ۱- طواری نائی از غیر ادره
 - ۲- طواری نائی از ادره
 - ۳- اجزای احکام مدنی
- طواری نائی از غیر ادره؟

آیین دادرسی مدنی ۳

یکی از طواری نائی از غیر ادره سرور زمان است که قبل از انعقاد فرستی تدبیر می شد اما اتفاقی افتاد از سال ۱۳۶۵ پس بعد دیگر تدبیر می شود.

سرور زمان یک نائیس است که سابقا از حقوق برانسه داجها از حقوق قدیم رسیده از حقوق روزگار متبایند.

در اولین بار که فکر نائیس این پدیده در حقوق ایران بوجود آمد در سال ۱۳۰۵ هجری بود موقعی که در صورت داد و درگیری عدلیه بود به حرم داد با اقتباس از حقوق فرانسه

فروست این نائیس را در ایران گذاشتند اما نائیس در این نائیس به آن محدودی بود. فرانسه وجود داشت داد ایران می شد همان جلسیان ادرا اعدام می کردند.

در حقوق فرانسه می گویند: سرور زمان مدنی است که سر از انحصار آن رسیده و ابرود خواننده، غاصب سانی می شود. یعنی مدنی است که اگر در آن است شهرت ملک دیگری

را غصب کند و در تصرف سائنه خود نگه دارد بعد از آن مدت اگر اتمام دعوی شود مخوف سانی می شود. بنا بر این در فرانسه سرور زمان همانند؟ هبه، عتود... از اسباب تمکک بحساب می آید.

در فرانسه چنین درنده است نیز سرور زمان از اسباب سقوط تعهد است.

حقوق ما در حقوق فرانسه نیازی به ایراد من علیه امی ندارد. ^{مستاد} سولت اختیاف
به نظر داور در روزات در اینجا سولت است.

ما آزان در امور حقوقی سردر زمان ندایم. در کتابی که نوشته شدات ^{اضافه} گفته شده که بند ۱۱۴
این کتب نوع ایراد سردر زمان است. اما بنظر است که این استباهات به این علت است

تفاوتی ندارد در هیچ سوختی سردر زمان را پیشتر بنی سزای است

استرداد دادخواست و استرداد دعوی

الف. استرداد دادخواست

در مورد استرداد دادخواست و استرداد دعوی در حال حاضر ما ۱۰۷ داریم
که در بند الف (بیر به ۳۳ ق قدیم است) البته با استنادی تعداد کمی که در ()

ناظر به استرداد دادخواست است که خوانان ادرا قائم دعوی کسی پس از اقامه دعوی
تا اولین جلسه دادری می تواند دادخواست خود را بسته داد کند. پس اگر خوانان

در جلسات کسی در خواه باید قرار ابطال دادخواست را صادر کنند.

اولین سزای کسی که پیش می آید این است که عبارت است: تا اولین جلسه دادری و سبب است؟

تفاوتی ندارد در قانون جدید در مورد و اکثره اولین جلسه دادری سه روز پس از پذیرفته است
در بعضی موارد مثل همین م. سوردیگ گفته تا اولین جلسه دادری. در بعضی جا که

در همین م ۱۴۳ و ۱۳۵ (ص ۱۳۵) گفته تا پایان اولین جلسه دادری
و در بعضی جا که در همین گفته در اولین جلسه دادری

و این اینها است که به این مضمون رسم که خوانان تا پایان اولین جلسه دادری

این مثال: اگر زوج دعوی تمکین اقامه کند و زوج: خون طلاق اقامه کند
اگر در این جریان زوج فوت کند دعوی تمکین سابقه می شود و بر وی انکسار زوج
اگر شرعاً یا عرفاً تمکین کند باید در برابر زوج تمکین کند ایشان می توانند در اینجا

دعوی طلاق نیز سابقه می شود بشیخ دعوی تمکین.
سوال - مکرر در این مورد ۱۰۷ چهارم در می شود و قطعی می شود آیا خواننده می تواند دعوی
خارج را طرح کند؟! در حق قیدیم بشرطی شده بود. بنظر است که این چیز افغانی بود
یعنی در هر حال بابت خواندن، اگر خواننده تقاضا کند خارج بدهد.

تأمین خواسته

بطور نرسیده از جهان سوختی که بر صوم بیست و نهمی می بین آن آدم بودند نوشته که
نشان دهد که از همان موقع تأمین خواسته در درج اول درج اول درج اول درج اول درج اول
باز مورد انکسار در آن آدم و طوری در درج اول و استثنافاً تأمین خواسته را از خواننده
دادند می دانند.

تأمین خواسته یعنی در امنیت قرار دادن خواسته. دعوی از مدعی که اقامه می شود تا حدی که به
صدمه حکم قطعی لازم الاجرای رسیدگی مدت زیادی طول می کشد.

طول مدت در درج یک فرصت فلهای اجرای خواننده بر وجود در درج یک با نقل و انتقال اموال
اجرا حکم که بعداً علیه او صادر می شود با مشکل مواجه کند یا غیر ممکن شود.

(پس از صدور حکم قطعی تصدیقات اجرای حکم در اختیار حکومت نه براری می شود که با احتیاط
که حکومت در بابت اموال حکومت علیه استیفاء کند تا تعریف شود و عملیات اجرای نسبت به آن
در تمام کشور اما در صورت بابت تکلیف که بتواند در نه حکم اجرائی شود تا زمانیکه تأمین کند.

در سه بندی اسرار! توجه به نحوه بازداشت آنها

بابت توجه به نحوه بازداشت اسرار، این اسرار تقو است که رسید است!

- ۱- وجه نقد در بانک
- ۲- وجه نقد نزد حکومت علیه
- ۳- رسائل نقلیه قائم پلاک (مانند تراکتور و بعضی کتبی)
- ۴- رسائل نقلیه دارای پلاک (اندرجس، سواری اتان)
- ۵- سایر اسرار مستقول
- ۶- اسرار غیر مستقول
- ۷- وجه و اسرار حکومت علیه نزد مستقر است
- ۸- سهام شرکتها
- ۹- سهام انحصاری شرکتها
- ۱۰- سرخطی

باید بداند که همه این اسرار مخفیانه شود در سه بندی هر یک آنها را جای داد. اما علی که
 نیز در وقت قائل بتفصیل شده است برای این است که اینها هم در اسرار شرکتها نیز چنین است که نحوه
 بازداشت آنها کاملاً مشخص است.

- ۱- وجه نقد در بانک مانند بازداشت اسرار و وجه حکومت علیه نزد بانک است
- ۲- بازداشت وجه نقد نزد حکومت علیه مانند بازداشت سایر اسرار مستقول است (البته
 در سه بندی که وجه نقد جزو اسرار مستقول است که در بعضی جاها م. م. ۱-۲۶-۱-۱۰۰۰
 فرض شده است.)

- ۳- رسائل نقلیه قائم پلاک مانند بازداشت سایر اسرار مستقول است
- ۴- سایر اسرار مستقول
- ۵- اسرار غیر مستقول
- ۶- وجه و اسرار (بم ۸۷ به شرح اجرای احکام بر این مورد)
- ۷- سهام شرکتها بم ۴۱ در ایام اصلاح و تجارت در وقت شرکتها سهامی
 وجود شود و بداند که علی الاصول سهام بی نام مانند بازداشت اسرار مستقول است
 که سهام بی نام ترتیب داده که ملاحظه می شود.
- ۸- سهام انحصاری شرکتها بم ۱۲۹ ق. تجارت سال ۱۳۱۱ بر این مورد.

کامیابتر می گردوی بی بیون - چکنر تخمید حکومت در میان صلوات بر او در نیاید این کمال
نقد و نظر که که نکران کنند آنرا از بازار است - هرگاه در بازار تهران معقوله و در آنده نه سالی
سریع باشد از آن بلافاصله از آن نیست نه حدیث ... (۱۳۰۰) بگویم بر اینده ؟ در این صورت باز

ناید این سریون در ده سوره که عزیزانه آن با حکومت است . در صورت آن اینک سریون در شهر راد
به نسبت ارز مایه شده یا بلافاصله از آن خریدیم ۱۳۱۰ در صورت اخیر (در صورت خرید) یا در
سریون به خرید آن که خریدار آن باشد بفرستد خواهد رسید - همین بود در کارهای شفته می بیلیون

نوبت دوم هم همین مقدار را می نویسد - هم می نویسد که آن است و می نویسد قیمت بفرستد بود
و سند ملاک ۱۳۲۰ ق. اجرای احکام سوزی مصوب ۱۳۵۶ ه. ش .
در کار در نوبت دوم سریون هم سال خریدار پیدا نشد و حکومت بر آن را نیز قیمت ارز مایه

شده بدون ننگد سال آرم خواهد شد - در آن اسلک نشان بود حکم مذمت دوم هم به
قیمت ارز مایه شده بفرستد کرد و بعضی می گویند که برای اینطور بازار است شده و برای خرید نوبت
ایضا اجرا پسین - هرچند در هر حال طرح شده - عدت این است که
سال از آن شود و موجب شود که بازار است - شدگان بفرصت آنها شود.

تبدیل تاسین

تبدیل تاسین یعنی بازار است - سال بچگونگی سال بازار است شده - هرگز بازار است شده حکومت
یا حکومت علیه خواندن یا خواندن می گوید که در آن روزگار که برون بعد بازار است کن

ازین امکان را می توانند در برام حکومت و حکومت علیه پیش برده که در حواص تبدیل تاسین کند
- بنابراین در حواص تبدیل تاسین هم از جانب خواندن و هم از جانب حکومت علیه بداند
فرستد و اما چه در حواص از جانب این باشد و آن در ترتیب آنرا در این باب است (در کار به ۱۳)

نکته نوجه کند که در این صورت می گویند که در حواص تبدیل تاسین هر سال
۱۳۰۰ ق. اجرای احکام سوزی مصوب ۱۳۵۶ ق. اجرای احکام سوزی مصوب ۱۳۵۶ ق. اجرای احکام سوزی مصوب ۱۳۵۶
تداوم ای بسیار می تواند تاسین را از آن کن - حاله بازار است کن - البته بسیار از جانب

باید بکند. و همسر آنها را حریم از احباب دعوی که مخالف است اشیاء شده ای باشد

در عاقد است و شود. و صورتی در رد اشیاء است شده. حال آنکه قضاوت آن را با اشیاء است و دلیل بر ادب است

در کنار زمین است و محبت و برتری موجبی است که نفس قاضی در اشیاء است و دعای است
نفس قاضی در اشیاء است

آیا قاضی است نفس قضاوت در اشیاء قاضی نفس منقطع دارد: و در نحو در اشخاص
وجود دارد نه در اشخاص یعنی در سیم چهاره بود و توجیه بود از ابتدا است
۱) سیم که قاضی نفس قضاوت در اشیاء است یا سیم به این استدلال که حدت اجزای اشیاء

است و بنا بر این قاضی قضاوت در اشیاء محقق است
۲) سیم که قاضی است که قاضی باید یک نفس بی طرفی داشته باشد آنرا چنین است
۳) است و اعتبار در اشیاء است

قاضی در فصل در سیم تطبیق است که هر حال بفتح یکی از احباب دعوی تا آ می شود که طرفی
تمامی را در سیم تطبیق می گیرد و اینها هم ضروری از بی طرفی است به قاضی در
هر دستگاه قضایی با اشیاء است بر اعتبار قضای است

تفکر دوم است که نوعاً در نظامهای قانونی بود در تبعیت از اشیاء هر چند در تقو
از م نیز است که هستند

(سوال - سیم الف از سید صدیق است نسبت به آن طلب در خواست ترافیک است
فدائت می شود و همان می شود. شریک است که از سیم الف صدیق است آیا می تواند بود
تا که الف نسبت به آن تأمین کرده آن را تأمین کرده بنظر است که می شود چون
تا که الف نسبت به آن تأمین کرده هنوز در نسبت است در سیم الف تأمین است که شریک
باید از آن را تأمین کند)

نقص قاضی در اسباب ارجاع در نظام حقوقی ایران

ارجاع ایران در آرد. م ستان ۱۳۱۸ بموجب م ۳۵۸ کید قاعده را مانع از اسناد
گردانند پس بر طرز تفکر فوقی بود هیچ دادگاهی نمی تواند برای اتمام دعوی تکمیل دلیل
غایب فقط با وجود اسناد نماید که اجاب دعوی ارائه دارد، از این قاعده، بنوی درق اصول
حکایات صوتی هم بود. ارج م ۳۵۸ بصراحت و با ندرت و اطلاق کامل بصورت زیر

بیان شد: « هیچ دادگاهی نباید برای اتمام دعوی تکمیل دلیل کند بلکه فقط به واسطه که اجاب
دعوی تقدیم یا اذکار کرده اند رسیدگی می کند. تحقیقاتی که در دادگاه برای شناسایی امری در قضا لازم باشد
از خارج قضاوت و تحقیق از مواد و سببین و سایر ملاحظه گردد تا بر پرونده داری و اطلاق این تکمیل دلیل نیست»

این آرایه است که به معنای آنست که نظام حقوقی ما چنانچه سابقه از این قضاوت محضاً با توجه به فوروی
که در دادگاه و در اسرای عالی انتظامی قضات به قضاتی که انجام شده که از این آرایه تکلیف می گزید
کوچکترین اقدامی که قاضی می کرد بر روی تکمیل دلیل را در دادگاه انتظامی قضات با ندرت

با مانی بر خود را کرد چون خودت سعی و سعی شده اند و بی طرف نیست این امر یعنی
قاعده منع تکمیل دلیل پس از همه قضات را ناراحت می کرد چون قضات می دانستند
در پرونده ای که رأی صادر کرده اند سبب بانی نیست و با محکمیات پرونده ای چون

یکی از طرفین دعوا یا بنور ارجاع خود نمودن امر چنانچه دیگری را نیز ششده بودی که در این امر
در اطلاق و احوال بصورت اصدار تحقیق شود. بنا بر این م ۳۵۸ با توجه به م ۵۶ چنین
می نمودن شده بود که لازم است قاضی اخطار کند و کین دفاع کند. اما این م ۵۶ کمتر از

کیا که بعد از تصویب و لازم ارجاع شده که قیوم آرد. م هر عیناً منع شده و سر که چنانچه نتوانند
که دلیل بگیرند چون دلیل کافی نبود
بنابراین طرفی که دلیل دارد یا خود سر آقا می دارد یا دادگاه از اول به چه نوری استفاده کند و تمام
نشود. در طرف دیگر که اطلاع نه است حکوم الیهم در این بود که این امر قضات را ناراحت
می گزید

بنابراین در مان ۵۶ کید قاضی بصورت شده بنام قانون اصداغ یا و ای از قوانین دادگستری که

دلیل عبادت است که از حواسی که موجب ایقان و اتقان شود. دلیل عبادت است
هر آسری که ذهن را به سوی امور دنیوی منحرف نکند.

اما در حقوق دقت تریب و در دلیل کینتم این خوف تمام یا نوعی انحصار است. بی تردید
این عبادت است از حواسی که در حق نیست یعنی عبادت در کمال ایقان و عبادت یادناح

مورد است از حواسی برای ایقان و عبادت یادناح صورت استوار شود. بدین معنی که در این
راش توفیق در درگاه اراکه دهد آن دلیل را که از آن می دهد باین در حق باشد. دلیل که
ار اهل دهد بندگان، گواهی، اعتراضات شرعی آنها را دارد و ... هر یک نام

بیت اعتدال در کمال حق تواند بر آن توجیه کند. جنبه صورت دین است با فطیم و کسب ...
اما سؤال این است که اگر اسفان اسفان از اینها بر وجود است اسفان و کسب اینها است
اسفان و کسب نماند و نیز این است که در دین کسب می خواهم پسند که فلان در کمال عبادت

جنبه صورت را کسب گو، فلان کسب را کسب گو، او را اینها در اسفان کسب است
در اسفان کسب اینها حق الله است پس مورد استوار است در این کسب است بصورتی که
بغیر از دین مورد استوار است در کسب کسب است کسب است کسب است

کسب بعد علم قافی با از زبان بسیاری پسندیم که یکی از محولات چهار ساز از همین
محولات بعد از اعتدال است که علم قافی است در ادله ایقان و کسب
بسیار است این چیز، محول نبوات و صفتی بود عبادت که قبلاً بود است

برای این علم قافی در حوائج هم معتقدند در هر کسب است که مستند به اسفان باشد که در
در دین وجود دارد قافی باید علم خود را مستند کند تا حق کسب است در در حوائج
حق کسب ندارد. از راه حق در محولات که مستحقات و ... حاجی حق تواند چنین

چیز را با خبر و بفهم و نام چیز علی را در ادله ایقان است

نقش قاضی در ایستادگی و رعایت در نظام حقوقی ایران

در جریان در آرد. م سن ۱۳۱۸ بموجب م ۳۵۸ کی قاعده اساسی قانون اساسی
گردید که پیش بر طرز نظر دولتی بود هیچ دادگاهی نمی تواند برای اتمام دعوی تحصیل دلیل
غایب فقط بایستد در دادگاه استناد نماید که اجتناب دعوی ارائه دادند این قاعده بنوعی در ق اصول
حکامات حقوقی هم بود. در م ۳۵۸ بصراحت و با تدریج و اطلاق کامل بصورت زیر

بیان شد: « هیچ دادگاهی نباید برای اتمام دعوی تحصیل دلیل کند مگر آنکه قاضی در این که اتمام
دعوی تقیم یا اذعان کرده اند رسیدگی می کند. تحقیقاتی که در دادگاه برای شرف امری در قضای لازم باشد
از حیث اطمینان و تحقیق از موجودات و سببین و سایر ملاحظه بردنند بر مبرور و دلوری و اطلاق این تحصیل دلیل نیست »

این امر ترکیب با معنای در نظام حقوقی ما جنبه های گسترده ای که از این حد محصور است با توجه به خودی
که در اوقات در دادسرای عالی انتظامی قضات به قضاتی که انجام شده که از این حد کتبی می گویند
کوچکترین اقدامی که قاضی می کرد بر روی تحصیل دلیل را در اوقات انتظامی قضات با تدریج

بیان می کرد. چون خودت بر روی و مدعی غیر شده اند و بی طرف نیست این امر یعنی
قاعده منع تحصیل دلیل پس از همه قضات را ناراحت می کرد چون قضات می دانستند
در پرونده های که برای صادر می کردند سببیت باقی نیست و با کمتری است چون

کمی از طرفین دعوی یا می نمودند که خود نمودن امر چیز دیگری می دانند شدیدی که در آن این که
در اولین دو حالت بصورت اصلاحیه شریف بنام م ۳۵۸ با توجه به م ۵۶ چنین
ن تدوین شده بود که لازم است قاضی اذعان کند و کتب و اذعان کند. اما این م ۵۶ کمتر از

کمی از بعد از تصدیق و لازم اجرا شده که قاضی در م هر یک از این سه مورد می توانند
که دلیل بگیرند چون و قاضی قاضی نبود
بنابراین طرفین که دلیل دارد یا خودسرانه دادی دارند از آنجا که چه نوعی استفاضا شد و تمام
شد. در طرفین که اطلاع از است فکروا ل خود را این بود که این امر قضات را ناراحت
می کرد.

بنام آئین در مان ۵۶ کی قی تصویب شده بنام قانون اصلاح سازه ای از قوانین دادگستری که

که همواره با سند اجابودید ق سئلزم در خواست اجاب دعوی یا یکی از آنها است
بنابر این اولاً دادگاه نمی تواند در اجزای این ۴ و ۵ در باره شخصیت شریک که معمول
تعریف آن قانونی نباشد بنا بر این دادگاه نمی تواند تحقیقات دادگامانی

انجام دهد که صرفاً به درخواست اجاب دعوی زنی باشد. برای همان دادگاه در
موردی بحدود ۲۱۲ می تواند اسناد و اطلاعات را جمع به مورد نزاع را در
ادارات دولتی و سایر اشخاص هفت صفحه نماید که اجاب دعوی در خواست نماید

اساساً آنچه در دعوی اسناد و اطلاعاتی که در ادارات دولتی است. بجز دادگاه مورد در
موضوع شریفی که در دادگاه در اهرام ۱۹۹ می تواند آن اسناد و اطلاعات را
مطالعه نماید. سال ۱۳۶۰ دادگاه نتواند به دلایلی استناد کند که اجاب دعوی می تواند

قانون حاکم بر ادله

مسئله این است که واقعاً اگر در زمانی که حق بوجود می آید تا مدتی که دادگاه
به دعوی رسیدگی کند مدتی طول بکشد در طول این مدت ق حاکم بر ادله تفسیر
کند و موجب شده که ارزش ادله های دلیل کم شود. یا دلیل ارزش ادله های خود را

در الزام به حد یا مجال شریفی که در زمان تحقیق قضی دلیل را در اختیار داشته
بگذرد آن را در مورد دلیل محسوب نمی شود. قوانین را حق و دلیل محسوب نمی شود یا نه؟
آن را در این است که به مبانی خاصه عالی در مورد اصول بخند منقول در دعوی

اندرام به تنظیم سند در ۱۳۵۴ اگر در همین زمان بوجود آمدن حق علیه
خود شریک اندام به تنظیم سند قدرت ادله های راسته را در همین اقامه دعوی قدرت
هو در الزام داده به دلیل ق

هر چه از حق بود و حق هر خواهی حمل هر تنی واقع کنند نگاه با آینه کنند تا
نگاه کند که به چه دلیل می تواند عمل حقوقی را اثبات کند منتهی است که شود
بنابر این قوانین می تواند به تصویب می شود و ارزش ادله های دلیل